

تجسم اعمال

تجسم یا تجسد اعمال در لغت به معنی مجسم شدن کارهاست و در اصطلاح بدین معناست که کردارهای نیک و بد آدمی پس از مرگ وی، در عالم برزخ و نیز در رستاخیز مجسم می‌گردند و با پیکری زیبا یا با پیکری زشت پدیدار می‌شوند و او را شادمان یا اندوهگین می‌سازند.

تجسم یا تجسد اعمال، اصطلاحی است که می‌توان آن را مشترک در دین، کلام، عرفان و حکمت متعالیه صدرالدین شیرازی و پیروان وی به شمار آورد. درباره مسئله تجسم اعمال دو دیدگاه وجود دارد:

دیدگاه اول: تجسم اعمال با موازین نقلی و عقلی ناسازگار است. طرفداران این دیدگاه ضمن استناد به برخی از آیات ناسازگار با نظریه تجسم اعمال، به تأویل آیاتی می‌پردازند که ظاهراً مؤید و مثبت این نظریه به شمار می‌آید؛ بعنوان نمونه، رؤیت اعمال در آیه:

«... لِيرَوُاْ أَعْمَالَهُمْ» (زلزله/۶)

طبق تصریح طبرسی در مجمع‌البیان به دو گونه قابل تفسیر است: نخست تفسیر باطنی که عبارت است از معرفت اعمال یا شناخت کردارها با چشم دل و در پرتو رؤیت قلب؛ دوم، تفسیر ظاهری که عبارت است از شناختی که در پرتو دیدن با چشم سر به بار می‌آید که در این صورت، مراد از دیدن اعمال، "دیدن نتیجه اعمال" یا "رؤیت نامه اعمال" است، نه دیدن خود اعمال، و بر طبق هر دو تفسیر، تجسم اعمال، منتفی است.

در نقد و ردّ عقلانی نظریهٔ تجسم اعمال، همچنین استدلال کرده‌اند که: اعمال، عَرَض است و عَرَض طبق قاعدهٔ "العرض لا یبقی زمانین"، در دو زمان نمی‌ماند و پیداست که اعمال در شمار اعراض است و به سبب ناپایداری، در دو زمان، تجسم یافتن آن منتفی است.

دیدگاه دوم: طرفداران دیدگاه دوم، تجسم اعمال را به دلایل نقلی و عقلی ممکن می‌دانند و معتقدند:

۱- آیات و روایات، تجسم اعمال را تأیید می‌کنند؛

۲- به حکم تبدیل امر بالقوه به امر بالفعل، تجسم اعمال ممکن است، زیرا که

صورت مجسم کردارها در آن جهان، حالت بالفعل کردارهای این جهانی است؛

۳- بدان سبب که ذهن در عین تأثیر می‌گذارد و عین نیز در ذهن مؤثر است،

تجسم اعمال امری ناممکن نیست.

بدین ترتیب دیدگاه مثبت مشتمل بر سه نظریه خواهد بود:

الف) نظریهٔ دینی - کلامی: این نظریه از صریح برخی از روایات بدست می‌آید و با آیات

قرآنی مورد تأیید قرار می‌گیرد. بر طبق این گونه روایات و به تأیید آیات، تجسم اعمال

در دو نشئه تحقق می‌یابد.

گویاترین روایات در این زمینه سه روایت است:

۱- روایتی که بر طبق آن مردم ر روز رستاخیز براساس نیاتشان برانگیخته می‌شوند.

۲- روایتی که بر طبق آن، برخی از مردم با صورت‌هائی زشت‌تر از شکل میمون و خوک محشور می‌شوند.

۳- روایتی که بر طبق آن، مردم در روز رستاخیز، از جهت نحوهٔ راه رفتن، سه گروه‌اند: سواران، پیادگان، و آنان که با صورت‌هایشان راه می‌روند.

ب) نظریهٔ عرفانی: عارفان معتقد به نظریهٔ "تجسم اعمال"، ضمن استشهاد به غالب آیات و روایاتی که از آنها سخن رفت، در تبیین نظریهٔ تجسم اعمال بر مبنای فلسفی که همانا "تبدیل امر بالقوه به امر بالفعل" است، تکیه می‌کنند. بر این مبنا خلُقها، خویها و باورها در این جهان نسبت بدان جهان، اموری بالقوه به شمار می‌آیند و فعلیت یافتنشان در عالم برزخ و عالم آخرت، عینیت یافتن و مجسم شدن آنهاست.

لاهیجی در مفاتیح الاعجاز برای تبیین و توضیح نظریهٔ تجسم اعمال، در شرح ابیات شبستری از قوت عنصری و تبدیل آن به موالید ثلاث (جماد، نبات، حیوان) شاهد می‌آورد. بدین معنا که قوت عنصری، که بالقوه موالید ثلاث محسوب می‌شود، در این جهان، به تدریج فعلیت می‌یابد و به جماد و نبات و حیوان تبدیل می‌گردد. بر این اساس، اعمال و اعتقادات آدمی در این جهان، حالت بالقوه دارند و در عالم برزخ و سپس در جهان آخرت، فعلیت می‌یابند و در هیئت‌های زیبا و زشت تجسم پیدا می‌کنند.

ج) نظریهٔ فلسفی - صدرایی: صدرالدین شیرازی نخستین متفکری است که نظریهٔ تجسم اعمال را در نظام فلسفی خویش وارد کرد و بدان صورت عقلی - فلسفی بخشید.

ملاصدرا در این کار، هم از آیات و روایات بهره گرفت و هم از نظریه عرفانی تجسم اعمال سود جست. مبنای ملاصدرا در تبیین فلسفی تجسم اعمال، "تأثیر و تأثر ذهن و عین یا نفس و جهان واقع در یکدیگر" است. براساس این تأثیر و تأثر، هر پدیده بیرون ذهنی، در ذهن یا در نفس اثر می‌گذارد و هر صورت درون ذهنی یا هر صورت نفسانی نیز در واقعیت‌های بیرون ذهنی مؤثر است. مثلاً پدیده رطوبت، به عنوان صورتی بیرون ذهنی در حس، خیال و عقل تأثیر می‌کند و صورت محسوس و متخیل رطوبت در حس و خیال، و صورت کلی رطوبت در عقل پدید می‌آید. اختلاف صورت‌های پدید آمده از آن روست که نحوه اثر یک مؤثر در موطن مختلف، متفاوت است. عکس مسئله هم صادق است، یعنی مثلاً، خشم که صورتی درون ذهنی یا نفسانی است، بیرون از ذهن اثر می‌گذارد و موجب برافروختگی چهره شخص خشمگین می‌شود، و بسا که این تأثیر، شدت بیشتری بیابد و خشم درونی، آتشی بیرونی پدید آورد و بدین ترتیب در عالم آخرت به صورت "آتشی که خدا افروخته، دل‌های [ناپاکان] را آتش می‌زند". (همزه/۶-۷)

پس از ملاصدرا و نفوذ و رواج فلسفه وی در میان متفکران ایرانی - اسلامی، بیشتر اندیشمندان تا روزگار حاضر از نظریه تجسم اعمال جانبدارای کردند. از جمله این اندیشمندان می‌توان از فیض کاشانی، سبزواری و علامه طباطبایی نام برد.

تجسم و جاودانگی اعمال و مکتوبات انسان

از قرآن کریم و اخبار و روایات پیشوایان دینی چنین استنباط می‌شود که نه تنها انسان باقی است و جاوید می‌ماند، اعمال و آثار انسان نیز به نحوی ضبط و نگهداری می‌شود و از بین نمی‌رود و انسان در نشئه قیامت تمام اعمال و آثار گذشته خود را «مصور» و «مجسم» می‌بیند و مشاهده می‌کند. اعمال و آثار خوب با صورتهای بسیار زیبا و جالب و لذت بخش تجسم می‌یابند و به صورت کانون لذت و بهجت در می‌آیند، و اما آثار بد انسان با صورتهای بسیار زشت و وحشتناک و مهیب و موزی تجسم می‌یابند و به صورت کانون درد و رنج و عذاب در می‌آیند^(۱).

در اینجا به ذکر سه آیه از قرآن مجید و دو حدیث از رسول اکرم (ص) اکتفا می‌کنیم. اما آیات: ۱. یوم تجد کل نفس ما عملت من خیر محضرا و ما عملت من سوء، تود لو ان بینها و بینه امدا بعیدا^(۲).

روزی که انسان هر کار نیک خویش را حاضر شده می‌بیند و همچنین هر کار بد خود را، و دوست می‌دارد که ای کاش میان او و کار بدش فاصله زیادی می‌بود.

این آیه صراحت دارد که انسان عین این کارهای نیک خویش را به صورت مطلوب و محبوب می‌بیند و عین کارهای بد خویش را مصور شده به صورتهایی می‌بیند که سخت از آنها نفرت و وحشت پیدا می‌کند و دوست می‌دارد از آنها فرار کند یا آنها را از او دور کنند اما آنجا جای فرار و یا جدا کردن عمل انسان از انسان نیست،

.....۱. راجع به اینکه نعیم و جحیم اخروی چیزی جز

صور ملکوتی اعمال نیست رجوع شود به کتاب عدل الهی، بحث معاد. ۲. آل عمران/۳۰.

صفحه : ۵۲۲

صورت تجسیم یافته حاضر شده عمل انسان در آن جهان به منزله جزئی از وجود انسان است و جدا شدنی نیست.

۲. و وجدوا ما عملوا حاضرا^(۱).

هر عملی که در دنیا انجام داده‌اند در آنجا حاضر می‌بینند.

مفاد این آیه عینا مفاد آیه پیشین است.

۳. یومئذ یصدر الناس اشتاتا لیروا اعمالهم. فمن یعمل مثقال ذره خیرا یره.

و من یعمل مثقال ذره شرا یره^(۲).

در این روز مردم بیرون می‌آیند برای آنکه (در نمایشگاه عمل) اعمالشان به آنها ارائه شود. پس هر کس به وزن یک ذره کار خیر انجام دهد آن را در قیامت می‌بیند و هر کس

که به وزن یک ذره کار بد انجام دهد نیز آن را در آنجا می‌بیند.

انسان باقی و جاوید است. اعمال و آثار انسان نیز باقی و مضبوط و جاوید است و انسان

در جهان دیگر با اعمال و اخلاق و مکتسبات خود در این دنیا زندگی می‌کند.

این مکتوبات و اعمال، سرمایه‌های خوب و یا بدو صاحبان نیک یا زشت همیشگی انسان در جهان جاوید است.

اما حدیثها: ۱. گروهی از مسلمانان از راه دور به حضوررسول خدا مشرف شده بودند، ضمن سخنان خود از ایشان تقاضای یک سلسله اندرز کردند. رسول اکرم چند جمله فرمود که یکی از آنها این است: «از هم اکنون رفیقان و صاحبان و معاشران خوبی برای خود در جهان دیگر انتخاب کنید که در آن جهان، همراه و صاحب زنده هر کس همانا اعمال و رفتارهای تجسم یافته خود اوست.»^(۳)

..... ۱. کهف/۴۹. ۲. زلزال/۶ - ۸. ۳. [در نسخه دستنویس استاد شهید که برای چاپ داده بودند، در اینجا تذکر داده شد که گویا حدیث یا حدیثهای دیگری که مورد نظر بوده فراموش شده و در ذیل عنوان «حدیثها» فقط یک حدیث آمده است. استاد این تذکر را بجا دانستند و بقیه مطلب را به پشت صفحه (نسخه خطی) ارجاع دادند، ولی افسوس که منافقان تحمل وجود او را نداشتند.]

صفحه: ۵۲۳

انسان مؤمن به حیات جاویدان، همواره کمال دقت را در اندیشه‌ها و خلق و خوی‌ها و اعمال و رفتار خویش به کار می‌برد، زیرا می‌داند که به اینها به چشم یک سلسله امور زودگذرنباید نگاه کرد، اینها همه پیش فرستاده‌های انسان به دنیای دیگر است و در دنیای دیگر با این سرمایه‌ها باید زندگی کند.

وجوه مشترک و وجوه متفاوت زندگی این جهان و زندگی آن جهان

وجوه مشترک زندگی دنیا و زندگی آخرت این است که هر دو زندگی، حقیقی و واقعی است، در هر دو زندگی انسان به خود و آنچه به خود تعلق دارد آگاه است، در هر دو زندگی لذت و رنج، سرور و اندوه، سعادت و شقاوت هست. غرایز انسان، اعم از غرایز حیوانی و غرایز ویژه انسان، در هر دو زندگی حکمفرماست. در هر دو زندگی، انسان با بدن و اندام کامل و اعضاء و جوارح زندگی می‌کند، در هر دو زندگی فضا و اجرام هست. اما تفاوت‌های اساسی هم در کار است: در اینجا توالد و تناسل و کودکی و جوانی و پیری و سپس مرگ هست و در آنجا نیست. در اینجا باید کار کرد و تخم پاشید و زمینه مساعد فراهم کرد و در آنجا باید از تخم‌های کاشته شده و زمینه‌های مساعد شده در دنیا بهره برداری کرد. اینجا جای کار و عمل است و آنجا جای نتیجه‌گیری و حساب پس دادن. در اینجا امکان تغییر سرنوشت از طرف خود انسان به وسیله تغییر مسیر حرکت و جهت عمل هست و در آنجا نیست. در اینجا حیات آمیخته است با موت، هر حیاتی توأم است با ماده‌ای که فاقد حیات است و بعلاوه از مرده زنده بیرون می‌آید و از زنده مرده، چنانکه ماده بی‌جان در شرایط خاص تبدیل به جاندار می‌شود و جاندار تبدیل به بی‌جان، ولی در آنجا حیات محض حکمفرماست، ماده و جسم آن جهان نیز جاندار است، زمین و آسمانش جاندار است، باغ و میوه‌اش مثل اعمال و آثار تجسم یافته انسان جاندار است، آتش و عذابش نیز شاعر و آگاه است. در اینجا اسباب و علل و شرایط خاص

صفحه : ۵۲۴

زمانی حکمفرماست، حرکت و تکامل وجود دارد، در آنجا فقط ملکوت الهی و اراده الهی ظهور دارد. شعور و آگاهی و به طور مطلق دید و شنید و درک انسان در آن جهان بسی شبیه تر و نیرومندتر است، و به عبارت دیگر، پرده‌ها و حجابها در آن جهان از جلو انسان برداشته شده و انسان با بینشی دورنگر حقایق را درک می‌کند چنانکه قرآن کریم می‌فرماید: فکشفنا عنک غطاءک فبصرک الیوم حدید^(۱).

ما پرده را اکنون از تو بر گرفتیم پس دیده‌ات تیز است.

در اینجا خستگی و دلزدگی و ملال خصوصاً از یکنواختی است و انسان حالت گم کرده‌ای را دارد که در پی گمشده خویش است و به هر چیزی که می‌رسد می‌پندارد آن را یافته است و به او دل خوش می‌کند اما پس از چندی احساس می‌کند که «او» نیست، خسته و دلزده می‌گردد و به دنبال چیز دیگری رود. این است که در دنیا انسان همیشه طالب چیزی است که ندارد و دلزده از چیزی است که دارد، اما در جهان آخرت به حکم آنکه به آنچه در اعماق فطرت و شعور شخصی خود دلبستگی داشته و گمشده واقعی او بوده است یعنی حیات جاوید در جوار رب العالمین رسیده است به هیچ وجه خستگی و ملال و دلزدگی برایش پیدانمی‌شود. قرآن کریم به همین نکته اشاره می‌کند آنجا که می‌گوید: لا یبعون عنها حولا^(۲).

(برخلاف دنیا) در آنجا انسانها طالب دگرگونی و وضع جدید نیستند.

این است که اهل بهشت با آنکه الی الابد در بهشت بسر می‌برند هرگز دلزده و سیر نمی‌گردند.

و به علاوه نظر به اینکه در آنجا هر چه بخواهند به اراده الهی بر ایشان پیدا می‌شود آرزوی آنچه ندارند آزارشان نمی‌دهد.

ق.۱/۲۲.۲.کھف/۱۰۸.

منبع:

۱- سایت اطلاع رسانی دانشنامه رشد :

www.daneshnameh.roshd.ir

۲- سایت اطلاع رسانی آفتاب :

www.aftab.ir

۳- سایت اطلاع رسانی تبیان :

www.tebyan.net

دائرة المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر: کاظم موسوی بجنوردی؛ تهران سازمان

انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول ۱۳۸۴.